

شناسایی مدل مسئولیت هسته‌ای در سامانه حقوقی کانادا

ابومحمد عسگرخانی^۱، سید مصطفی مشکات^۲

۱- دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

۲* - گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران (نویسنده مسئول)

MustafaMeshkat@yahoo.com

چکیده

کانادا در لوای یکی از کشورهای پیشرو در عرصه عملیاتی نمودن فناوری هسته‌ای حدود نیم قرن پیش به ترسیم رژیم حقوقی مسئولیت هسته‌ای مبادرت کرد؛ در این مسیر و با وجود آن که کانادا هیچ‌یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی پاریس ۱۹۶۰ و وین ۱۹۶۳ را در زمینه مسئولیت هسته‌ای مورد پذیرش قرار نداده بود ولی برای اولین بار و در سال ۱۹۷۰ به وضع قانون مسئولیت هسته‌ای اهتمام نمود؛ این فرآیند در سال ۲۰۱۵ و با تصویب مقررّه دیگری در زمینه مسئولیت هسته‌ای که الغای قانون پیشین را در پی داشت وارد فاز نوینی شد؛ چرا که مسئولان تقنینی کانادا علاوه بر مرتفع نمودن نارسایی‌ها و کاستی‌های قانون پیشین به تناسب‌سازی مقررات ناظر بر مسئولیت هسته‌ای با مفاد کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی ۱۹۹۷ که اخیراً آن را مورد تصویب قرار داده بودند، همت گماردند. با این مراتب، اگرچه مدل مسئولیت هسته‌ای کانادا تحت تأثیر آموزه‌های کنوانسیون موصوف قرار گرفته است لیکن راهبردهای سنجیده‌ای از جمله تناسب‌سازی درجه خطر تأسیسات هسته‌ای با میزان مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای، توسعه دامنه خسارات پرداخت‌شدنی و بقیه باعث شده است تا مقوله مسئولیت هسته‌ای در کانادا بلوغ بیشتری را نسبت به رژیم بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای دربرداشته باشد. به همین روی، شناسایی ابعاد مختلف نظام مسئولیت هسته‌ای در کانادا مهم جلوه می‌نماید.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، مسئولیت هسته‌ای، حادثه هسته‌ای، مسئولیت مطلق و بهره‌بردار هسته‌ای.

۱- مقدمه

مسئولیت مدنی ناظر بر خسارات هسته‌ای به عنوان یک چالش مهم در نیمه قرن بیستم میلادی مطرح‌نظر تابعان جامعه جهانی قرار گرفت. (Pelzer, 1999, p.332) در این مسیر و به موازات وضع اسناد بین‌المللی، بیشتر کشورهای صاحب فناوری هسته‌ای نیز به ترسیم رژیم حقوقی ناظر بر مسئولیت مدنی هسته‌ای اهتمام نمودند؛ البته پاره‌ای از کشورها با مطرح‌نظر قراردادن نظامات موجود در کنوانسیون‌های بین‌المللی ناظر بر مسئولیت هسته‌ای یعنی اسناد پاریس ۱۹۶۰ و وین ۱۹۶۳ به تعریف رژیم مسئولیت هسته‌ای پرداخته و پاره‌ای دیگر چون کانادا بدون آن که کنوانسیون‌های یادشده را مورد پذیرش قرار دهند به تبیین نظام مسئولیت هسته‌ای مبادرت نمودند.

کانادا که از سال ۱۹۴۲ شروع به بهره‌برداری از فناوری هسته‌ای نمود، (IBP, 2015, p.56) هرچند دیر ولی بالاخره در سال ۱۹۷۰ به تدوین قانون مسئولیت هسته‌ای پرداخت؛ مقررّه مذکور که در سال ۱۹۷۶ به منصفه اجرا درآمد با گذر زمان و شیوع بهره‌برداری از فناوری هسته‌ای در حوزه‌های گوناگون و به دنبال آن فزونی تأسیسات هسته‌ای، متقارن با مقتضیات روز تلقی نمی‌گشت. با این وجود و اگرچه متعاقب بر وقوع حادثه چرنوبیل و طی سال ۱۹۹۷، جامعه بین‌الملل با وضع پروتکل اصلاحی کنوانسیون وین به همراه کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی نسبت به جبران خسارت هسته‌ای، تحولات شگرفی را در رژیم بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای ایجاد نمودند (Schwartz, 2006, P.37) ولی مسئولان و سیاستگذاران تقنینی کانادا

کماکان در ورطه غفلت به سر می‌بردند و در نتیجه به اجرای همان مقرره سال ۱۹۷۰ که میزان خسارت اندکی را مورد پوشش قرار می‌داد، بسنده کرده بودند.

با این مراتب، سال ۲۰۱۳ را باید نقطه عطفی در نیل به برقراری یک نظام مسئولیت هسته‌ای سنجیده و متناسب با شاخص‌های بین‌المللی در کانادا مورد احتساب قرار داد؛ چرا که در سال مرقوم، نیت تدوین مقرره نوینی در قبال مسئولیت هسته‌ای و البته تصویب کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی در قبال خسارات هسته‌ای ۱۹۹۷ از ناحیه مسئولان کانادا مورد پی‌ریزی قرار گرفت؛ این نقشه‌راه بالاخره اندکی بعد مورد عملیاتی‌شدن قرار گرفت؛ بدین لحاظ از یک‌سو، با تصویب کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی در قبال خسارات هسته‌ای آن هم در واپسین روزهای سال ۲۰۱۳ و از ناحیه دیگر، با وضع قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ انقلابی بزرگ متوجه سامانه حقوقی کانادا در عرصه رژیم حقوقی مسئولیت هسته‌ای گشت. با التفات به عرائض اخیرالذکر حائز اهمیت است، در طی این پژوهش قرار بر آن است تا با توصیف و تحلیل نظام حقوقی ناظر بر مسئولیت هسته‌ای به واکاوی این مهم پرداخته شود که اقدامات اخیر قانونگذار کانادا در مورد بحث چگونه ارزیابی می‌گردد. بنابراین و در فراز آغازین از فرآیند پژوهش به آشنایی با واژگان اصلی مرتبط با تحقیق پرداخته می‌گردد.

۲- مفهوم‌شناسی

در وهله نخست و با الگوبرداری از چارچوب یک نوشتار علمی و ضابطه‌مند، تعریف و تشریح مفاهیم اصلی تحقیق در دستور کار قرار می‌گیرد. به این مناسبت تلاش بر آن است تا مفاهیم مذکور به نحو صریح و شفاف مورد توصیف قرار گیرند. با این مراتب، بدواً به تبیین خسارت هسته‌ای پرداخته می‌گردد.

۱-۲- خسارت هسته‌ای

خسارت در فرهنگ لغات آکسفورد به معنای ضرر و یا آسیب مطمح‌نظر واقع شده است. (Law&Martin,2002,p.133) همچنین باید اضافه داشت، Nuclear نیز که معادل واژه هسته‌ای در فرهنگ لغات انگلیسی می‌باشد، چنین مورد تعریف قرار گرفته است: «انرژی آزاد شده به عنوان ذرات یا تابش الکترومغناطیسی و همچنین حرارت در اثنای واکنش‌های هسته اتم آزاد». (Gregorich, Turchenek, Carter, & Angers, 2001, p.244) با عنایت به واژه‌شناسی صورت‌گرفته در قبال خسارت هسته‌ای^۱ لازم به توجه است، در حال حاضر و طبق مقررات جاری کانادا، تعریفی از خسارت هسته‌ای ملاحظه نمی‌گردد و بلکه تنها از خسارات هسته‌ای پرداخت شدنی^۲ بحث به میان آمده است که در قسمت‌های آتی به بررسی آن اهتمام به عمل خواهد آمد.

۲-۲- بهره‌بردار هسته‌ای

مطابق با ماده ۲ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای، بهره‌بردار شخصی است که برابر مقررات به این مهم منصوب شده است. در این ارتباط لازم به ذکر است، تعریف مذکور نوعی تعریف به نفس است و بنابراین توصیف قابل درکی از بهره‌بردار هسته‌ای در دسترس مخاطب قرار نمی‌دهد. البته باید متذکر شد که در اسناد بین‌المللی ناظر بر مسئولیت مدنی یعنی کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰، کنوانسیون وین ۱۹۶۳ و کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی نسبت به خسارات هسته‌ای ۱۹۹۷ نیز عیناً به مثابه ماده ۲ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای رفتار شده و در نتیجه، تعریفی از بهره‌بردار هسته‌ای به عمل نیامده است.

1 . Nuclear damage.

2 . Compensable nuclear damage.

۳-۲- حادثه هسته‌ای

حادثه هسته‌ای^۱ در ماده ۲ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای چنین مورد تعریف قرار گرفته است؛ هر نوع اتفاق و یا مجموعه اتفاقاتی که دارای منشأ واحدی هستند و موجب خسارت شده و مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای را در پی دارد.

۳- سیر تطور تقنینی مربوط به مسئولیت هسته‌ای در کانادا

در این فراز از فرآیند پژوهش دریچه‌ای به تاریخ گشوده تا از مجرای آن مشخص گردد که چه مقررات و نظاماتی در قبال مسئولیت مدنی ناظر بر خسارات هسته‌ای آن هم در سامانه حقوقی کانادا از دیرباز تاکنون مورد لحاظ قرار گرفته است. به این مناسبت و در وهله اول به معرفی قانون مسئولیت هسته‌ای مصوب ۱۹۷۰ پرداخته می‌گردد.

۳-۱- قانون مسئولیت هسته‌ای ۱۹۷۰

اولین اقدام تقنینی در کانادا نسبت به تبیین مسئولیت هسته‌ای در دهه هفتاد قرن پیشین صورت پذیرفت؛ در سال ۱۹۷۰، مقررهای تحت عنوان مسئولیت هسته‌ای^۲ از سوی قانونگذار کانادا مورد وضع و عملیاتی‌شدن قرار گرفت که شش سال بعد و در سال ۱۹۷۶ حالت لازم‌الاجرا به خود گرفت. (McCauley & Hénaul, 2014, p.696) قانون پیش‌گفته رژیم مسئولیت محدودی را نسبت به بهره‌بردار هسته‌ای ترسیم نموده بود؛ در این مسیر، بهره‌بردار هسته‌ای صرفاً تا سقف ۷۵ میلیون دلار^۳ نسبت به پرداخت خسارت هسته‌ای ناشی از حادثه هسته‌ای حائز مسئولیت می‌گشت. ضمناً باید متذکر شد، نوع کارکرد تأسیسات هسته‌ای نیز میزان مسئولیت مذکور را تحت‌تأثیر قرار نمی‌داد. (Heyes, 2000, P.191) بنابراین، بهره‌بردار هسته‌ای تنها تا سقف مزبور آن هم نسبت به تمامی دعاوی زبان‌دیدگان نسبت به وقوع حادثه هسته‌ای مسئول قلمداد می‌گشت (Trebilcock, 1997, p.219) که رقم ناچیزی با احتساب به آثار گسترده خسارات هسته‌ای نیز به حساب می‌آمد. مضاف بر موارد پیش‌گفته، رژیم مسئولیت محض^۴ بر مسئولیت هسته‌ای حکمفرما بود و البته نظام مسئولیتی اخیرالشاره حائز استثنائاتی نسبت به جنگ، شورش و تهاجم بود؛ منظور آن است که خسارات هسته‌ای که از این وضعیت‌ها حادث می‌گشت موجبات تحقق مسئولیت هسته‌ای را فراهم نمی‌آورد. (Currie, 2006, p.121)

۳-۲- قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای ۲۰۱۵

وزیر منابع طبیعی کانادا در مورخ ۶ ژوئن ۲۰۱۳ از قصد خود دائر بر توسعه رژیم مسئولیت هسته‌ای و تناسب‌سازی آن با شاخص‌های بین‌المللی پرده برداشت؛ در این ارتباط و به موازات ارسال لایحه‌ای به پارلمان کانادا، بحث تصویب کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی نسبت به خسارات هسته‌ای نیز ملحوظ‌نظر واقع شد. متعاقب بر تبیین چنین نقشه‌راهی، کانادا در مورخ ۳ دسامبر ۲۰۱۳ سند بین‌المللی یادشده را مورد امضاء قرار داد و بعد از مدتی نیز قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای^۵ به منصفه تصویب رسید. (McCauley & Hénaul, 2014, p.700) با این ترتیب، قانون اخیرالذکر در سال ۲۰۱۵ از ذیل تصویب قوه قانونگذاری کانادا گذر کرد و البته در اول ژانویه سال ۲۰۱۷ به حالت لازم‌الاجراء درآمد. قانون پیش‌گفته جایگزین مقررهای سال ۱۹۷۰ در این باره شد.

1. Nuclear incident.

2. Nuclear Liability Act.

۳. تقریباً معادل ۵۰ میلیون دلار آمریکا.

4. Strict liability.

5. The Nuclear Liability and Compensation Act. To access this act, refer to the link: <http://www.laws.justice.gc.ca/eng/acts/N-28.1/FullText.html>.

۳-۳- تحولات اخیر قانونگذاری نسبت به رژیم مسئولیت هسته‌ای قانون سال ۱۹۷۰

اهمّ تغییراتی که قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای سال ۲۰۱۵ نسبت به مقرّره مسئولیت هسته‌ای در سال ۱۹۷۰ در برداشته است به ترتیب ذیل مورد احصاء و البته مورد بررسی قرار می‌گیرند:

الف: افزایش مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای از ۷۵ میلیون به ۱ میلیارد دلار؛

ب: برقراری نظام مسئولیت مطلق و انحصاری بهره‌بردار هسته‌ای؛

پ: توسعه محدوده مسئولیت هسته‌ای: بدین‌شکل، سیطره مسئولیت هسته‌ای صرفاً به کانادا معطوف نشد و بلکه منطقه انحصاری اقتصادی آن و همچنین قلمروی کشورهای متعاقد^۱ (نسبت به کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی برای خسارات هسته‌ای ۱۹۹۷) و همچنین منطقه انحصاری متعلق به آن‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. (McCauley & Hénaul, 2014, p.701)

ت: گسترش مهلت زمانی طرح دعوی مسئولیت ناظر بر خسارات هسته‌ای به ۳۰ سال آن هم در مورد خسارات فیزیکی: مطابق با مقرّره سال ۱۹۷۰، محدودیت زمانی ۳ ساله فارغ از نوع خسارت پدیدآمده برای طرح دعوی مسئولیت در نظر گرفته شده بود؛ بدین‌ترتیب، از موقعی که زیان دیده پی به ایجاد خسارت و آسیب و یا آن‌که به طور معقول باید نسبت به خسارت و آسیب به وقوع پیوسته اطلاع پیدا می‌نموده است، سه سال فرصت دارد تا نسبت به پیگیری مسئولیت هسته‌ای اقدام نماید. البته لازم به تذکر است که مهلت زمانی مزبور در جایی که به مرگ زیان‌دیده می‌انجامد از تاریخ فوت ملاک عمل قرار می‌گرفت. البته یک دوره ۱۰ ساله نیز آن هم با مبدأ زمانی ظاهرشدن سبب اقامه دعوا، فارغ از آن‌که مرتکب چه زمانی نسبت به خسارت و وقوف حاصل نموده، راجع به بازه زمانی متعلق به دعوی مسئولیت هسته‌ای پی‌ریزی شده بود. (Roman, P.3) با این همه، در قانون سال ۲۰۱۵، مهلت ۳۰ ساله نسبت به خسارات فیزیکی و مهلت ۱۰ ساله نسبت به انواع دیگر خسارت مدنظر قرار گرفت. بنابراین مبرهن است که سامانه حقوقی کانادا به سمت توسعه قلمروی مسئولیت هسته‌ای و البته تطابق آن با رژیم بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای به شرح مندرج در کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی نسبت به خسارات هسته‌ای ۱۹۹۷ گام برداشته است.

۴- چارچوب ناظر بر مسئولیت مدنی هسته‌ای در کانادا

در این قسمت از روند تحقیق با تدقیق و کنکاش در سامانه حقوقی کانادا به تبیین مهمترین ابعاد ناظر بر مسئولیت هسته‌ای پرداخته می‌گردد. در این مسیر و در لوای تبیین نخستین رکن از مختصات حقوقی نظام مسئولیت هسته‌ای به این قضیه پرداخته می‌گردد که چه تیپ مسئولیتی در قبال خسارات هسته‌ای مورد اتخاذ قرار گرفته است.

۴-۱- رژیم مسئولیت مطلق

قانونگذار کانادا در تدوین رژیم حقوقی حاکم بر مسئولیت هسته‌ای مبادرت به برقراری سیستم مسئولیت مطلق^۲ آن هم به شرح مندرج در بند ۱ ماده ۱۰ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای نموده است؛ مطابق با آن چه در فرهنگ لغات واژگان حقوقی بلک^۳ مدنظر قرار گرفته است، مقصود از مسئولیت مطلق، نظام مسئولیتی عاری از هرگونه شرط و تقییدی است. (Campbell, 1993, p.115) به این مناسبت، مسئولیت مطلق منصرف از وجود قرارداد و یا تحقق تقصیر مورد احتساب قرار می‌گیرد. (Smith, 1917, p.241) با این وجود، رژیم مسئولیت مطلق چنان که قابل است در سیستم حقوقی کانادا مطمح‌نظر قرار نگرفته است؛ زیرا با وجود برقراری نظام مسئولیت پیش‌گفته، کماکان مسئولیت هسته‌ای حائز استثنائاتی است؛ بدین‌لحاظ و طبق قسمت ۱ و ۲ ماده ۵ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای، مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای در مواردی از جمله جنگ، شورش و سایر موارد مصرّح منتفی است.

1. Contracting party.

2. Absolute liability.

3. Black's law dictionary.

بنابراین اگرچه مبنای رژیم مسئولیت مطلق دایر بر حذف هرگونه استثنایی در مسیر بارنمودن مسئولیت بر شخص مسئول است لیکن این مهم در نظام حقوقی کانادا مورد توجه واقع نشده است.

۴-۲- مسئولیت انحصاری بهره‌بردار هسته‌ای

در ارتباط با تعیین شخص مسئول در قبال تأدیه خسارات هسته‌ای حائز اهمیت است، وفق ماده ۸ قانون مسئولیت و جبران خسارات هسته‌ای، صرفاً بهره‌بردار هسته‌ای متحمل مسئولیت هسته‌ای قرار گرفته است؛ البته در این باره لازم به تذکر است، حق مراجعه^۱ بهره‌بردار هسته‌ای به هیچ شخص دیگری به استثنای اشخاصی که به نحو عمدی خسارات هسته‌ای را پدید آوردند، به رسمیت شناخته نشده است. همچنین وفق قسمت ۱ از ماده ۹ قانون مسئولیت و جبران خسارات هسته‌ای قابل ذکر است، بهره‌بردار هسته‌ای به طور انحصاری مسئول آن دسته از خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای قلمداد می‌گردد که در کانادا و یا مناطق انحصاری اقتصادی^۲ متعلق به آن ایجاد شده است. مضاف بر مورد اخیرالذکر و به موجب قسمت ۴ از ماده ۹ قانون فوق‌الذکر، بهره‌بردار هسته‌ای در قبال خساراتی که در یکی از کشورهای متعاقد نسبت به کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی ناظر بر خسارات هسته‌ای ۱۹۹۷^۳ یا مناطق اقتصادی متعلق به آن‌ها پدید آمده باشد نیز واجد مسئولیت شناخته می‌گردد. با این ترتیب، تمام مسئولیت تأمین‌کنندگان، تولیدکنندگان و مشاوران طراحی در زمینه بروز خسارت ناشی از حادثه هسته‌ای به بهره‌بردار هسته‌ای منتقل می‌گردد. (Trebilcock, 1997, p.219) گاهی اوقات این امکان وجود دارد تا بیش از یک بهره‌بردار هسته‌ای نسبت به خسارات ناظر بر حوادث هسته‌ای متحمل مسئولیت گردد؛ در این حالت و بنا به ماده ۱۱ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای، بهره‌برداران هسته‌ای به طور مشترک یا انفرادی و یا حتی تضامنی به اندازه‌ای که سهم مسئولیت هریک از بهره‌برداران هسته‌ای مشخص نشود، مسئولیت پیدا می‌نمایند.

۴-۳- احصای خسارات قابل جبران یا پرداخت‌شدنی

همه اقسام خسارات ناشی از حادثه هسته‌ای به موجب رژیم حقوقی ناظر بر مسئولیت هسته‌ای مورد جبران قرار نمی‌گیرند و به همین خاطر است که صاحب‌منصبان تقنینی کانادا محدوده خسارات هسته‌ای قابل جبران یا پرداخت‌شدنی را در اثنای ترسیم قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای تبیین نموده‌اند. در این ارتباط، مواد ۱۸ الی ۲۳ قانون اخیرالذکر به این مهم پرداخته‌اند.

با این ترتیب و در یک نمای اجمالی، انواع خسارات پرداخت‌شدنی پدیدآمده از حادثه هسته‌ای به ترتیب ذیل مورد معرفی قرار می‌گیرند:

الف: آسیب فیزیکی و یا خسارت نسبت به اموال؛ (ماده ۱۴ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای)

ب: آسیب روانی؛ (ماده ۱۵)؛

پ: ضرر اقتصادی؛ (ماده ۱۶)

ت: مخارج و دستمزدها؛ (ماده ۱۷)

ث: آسیب زیست‌محیطی؛ (مواد ۱۸ و ۱۹)

ج: تدابیر پیشگیرانه. (مواد ۲۰ و ۲۱)

با این اوضاع و احوال باید متذکر شد، برخی از خسارات هسته‌ای که در طبقات بالا نیز قرار می‌گیرند از شمول خسارات پرداخت‌شدنی مستثنی شده‌اند. خوشبختانه این موارد استثناء جملگی در ذیل مواد قانونی متعلقه مورد ذکر قرار گرفته است؛ به طور نمونه و اگرچه برحسب قسمت ۱ ماده ۱۷ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای، خسارات ناشی از هزینه‌ها و

1 . The right of recourse.

2 . The exclusive economic zone.

3 . The Convention on Supplementary Compensation for Nuclear Damage.

دستمزدها قابل جبران اعلام شده است لیکن در قسمت ۲ همان ماده قانونی چنین قید شده است که اگر سانحه هسته‌ای در نیروگاه تولید الکتریسیته اتفاق افتد و از بابت خرابی به وقوع پیوسته و البته به منظور تولید الکتریسیته، هزینه‌هایی ایجاد شود این مخارج در لوای خسارات پرداخت‌شدنی که در قسمت ۱ معرفی شده‌اند، قرار نمی‌گیرند.

۴-۴- تعیین مسئولیت (نسبت به میزان خسارت و ظرف زمانی طرح دعوی خسارت)

سامانه حقوقی کانادا مسئولیت هسته‌ای را با التفات به دو متغیر زمان و مقدار دچار محدودیت قرار داده است؛ بدین‌صورت، مسئولیت هسته‌ای از منظر مقدار خسارت و البته ظرف زمانی مربوط به طرح دعوی خسارت دارای سقف مشخصی است. با این مراتب، تعیین مسئولیت نسبت به مقدار خسارت و همچنین بازه زمانی راجع به طرح دعوی خسارت به نحو جداگانه و از قرار ذیل مورد مطالعه و کنکاش قرار می‌گیرد.

۴-۴-۱- محدودیت نسبت به مقدار خسارت

محدودیت میزان مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای در راستای حذف عوامل خطر به ویژه ورشکستگی شخص اخیراً اشاره آن هم در اثنای پیدایش حوادث شدید هسته‌ای در نظر گرفته شده است؛ مضاف بر آن، زمانی که میزان مسئولیت دچار تحدید گردد، امکان بیمه و کلاً تضمین مالی مربوط به جبران خسارت تسهیل می‌گردد. (Radetzki, 1999, p.11) با این وجود، میزان محدودیت مسئولیت باید طوری تنظیم شود که جوابگوی خسارات هسته‌ای باشد؛ چرا که احتمال بروز حوادث هسته‌ای آن هم با حجم خساراتی معادل چند میلیارد دلار آمریکا کاملاً متصور است. (Schneider, 2004, P.1) بنابراین قواعد ناظر بر میزان مسئولیت هسته‌ای باید طوری ترسیم شوند که موجبات جبران خسارت بهینه زیان‌دیدگان را فراهم آورد. (Faure, 1995, P.22) به هر شکل گفتنی است، سامانه حقوقی کانادا قلمروی مسئولیت هسته‌ای را تا مقداری معین محدود^۱ نموده است؛ بدین‌شکل و مطابق با ماده ۲۴ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای، مسئولیت هسته‌ای صرفاً متوجه مقدار معینی از خسارات هسته‌ای است؛ مقصود آن است که مسئولیت هسته‌ای تا سقف مشخصی از خسارت مورد لحاظ قرار می‌گیرد و نسبت به بیش از آن مورد طرح قرار نمی‌گیرد. طبق ماده مرقوم، سقف مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای به نحو ذیل است:

a. ۶۵۰ میلیون دلار برای خسارت ناشی از حادثه هسته‌ای که در بازه زمانی یک سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این پاراگراف [متن قانونی] ایجاد شده باشد؛

b. ۷۵۰ میلیون دلار برای خسارات ناشی از حادثه هسته‌ای که در بازه زمانی یک سال از تاریخ مقرر در بند a ایجاد شده باشد؛

c. ۸۵۰ میلیون دلار برای خسارات ناشی از حادثه هسته‌ای که در بازه زمانی یک سال از تاریخ مقرر در بند b ایجاد شده باشد؛

d. ۱ میلیارد دلار برای خسارات ناشی از حادثه هسته‌ای که در بازه زمانی یک سال از تاریخ مقرر در بند c ایجاد شده باشد.

مطابق با آنچه قبلاً بدان پرداخته شد، قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای در مورخ اول ژانویه ۲۰۱۷ به منصفه لازم‌الاجرا رسید؛ بنابراین، با التفات به ماده ۲۴ قانون پیش‌گفته و البته از باب مثال گفتنی است، مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای در تأسیسات هسته‌ای دارلینگتون^۲ آن هم در سال‌های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب برابر است با ۷۵۰، ۶۵۰، ۸۵۰ میلیون و یک میلیارد دلار.^۳

1. Limited liability in amount.

2. Darlington Nuclear Generating Station.

3. For getting further information about it, refer to the link: <http://www.nrcan.gc.ca/energy/uranium-nuclear/19224>.

نکته والایی که در ماده ۲۴ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای قابل ملاحظه می‌باشد آن است که میزان مسئولیت هسته‌ای به صورت سالیانه دچار تحول می‌گردد؛ البته این تحول در راستای سیر صعودی گرفتن میزان مسئولیت هسته‌ای پی‌ریزی گشته است.

البته و علاوه بر مورد فوق‌الذکر باید اضافه نمود، به عنوان یک قاعده کلی، امکان تعدیل میزان مسئولیت طبق قسمت ۱ ماده ۲۶ کنوانسیون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای مجاز شمرده شده است؛ بنابراین وزیری که طبق ماده ۴ قانون پیش‌گفته از ناحیه مقام ذیربط منصوب شده است این وظیفه را دارد تا حداقل هر پنج سال یک‌بار نسبت به میزان مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای، بازنگری لازم را به عمل آورد.

با این همه، موضع سنجیده‌ای که در سیستم حقوقی کانادا نسبت به تحدید مسئولیت هسته‌ای بهره‌بردار هسته‌ای مورد اتخاذ قرار گرفته است به تناسب‌سازی درجه خطر هریک از تأسیسات هسته‌ای با میزان مسئولیت منصرف می‌گردد؛ به واقع، اگرچه بهره‌بردار هسته‌ای وفق ماده ۲۴ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای صرفاً مقدار خسارت محدود و البته معینی را متحمل می‌گردد لیکن این مهم موجب نشده است تا مسئولیت شخص اخیرالاشاره به صورت میزان ثابتی آن هم منصرف از این‌که وی در چه تیپ از تأسیسات هسته‌ای مبادرت به فعالیت می‌نماید، متجلی گردد. بنابراین و با ملحوظ‌نظر قراردادن درجه خطر هریک از تأسیسات هسته‌ای، میزان مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای نیز دستخوش تغییر می‌گردد؛ به عبارتی روشن‌تر می‌توان چنین گفت، میزان مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای در لوای تابعی از درجه خطر هریک از تأسیسات هسته‌ای مورد احتساب قرار گرفته است.

در این مسیر، بند a و b قسمت ۲ ماده ۲۴ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای مرقوم داشته است که مسئولان ذیربط از طریق وضع مقررات می‌توانند اقدام به افزایش و یا کاهش میزان مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای آن هم با لحاظ ماهیت تأسیسات هسته‌ای و نوع مواد هسته‌ای داخل در آن تأسیسات نمایند.

راهبرد فوق‌الاشعار از آن جهت قابل ارزیابی می‌گردد که خسارات هریک از تأسیسات هسته‌ای آن هم با لحاظ کارایی که نسبت به آن برخوردار هستند از یکدیگر متمایز است. به طور نمونه کاملاً واضح است که نوع خسارت ناشی از بروز سانحه در آن دسته از تأسیسات هسته‌ای که مبادرت به مدیریت زباله اتمی با سطح پایین^۱ می‌کنند با دسته‌ای دیگر که اقدام به مدیریت زباله اتمی با سطح بالا^۲ می‌نمایند، فرق دارد. بنابراین و در جهت اهتمام به این مهم، هریک از تأسیسات هسته‌ای کانادا آن هم با ذکر فعالیتی که انجام می‌دهند مورد احصاء قرار گرفته^۳ و از این حیث، میزان مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای نیز حسب‌مورد به وضوح تبیین شده است.

۴-۲. محدودیت نسبت به ظرف زمانی ایراد دعوی پرداخت خسارت

در عداد محدودیت‌های ناظر بر مسئولیت هسته‌ای آن است که دعوی مبتنی بر چنین مسئولیتی صرفاً در یک بازه زمانی معینی قابل طرح است و خارج از ظرف زمانی مصرح، مسئولیت هسته‌ای قابل تحقق نیست. مطابق با آخرین نسخه تقنینی ناظر بر مسئولیت هسته‌ای، دایره زمانی طرح دعوی خسارت هسته‌ای^۴ نسبت به مقرر سال ۱۹۷۰ توسعه پیدا کرده است؛ بدین‌لحاظ، برای خسارات بدنی، محدودیت زمانی ۳۰ ساله و نسبت به سایر اقسام خسارت، بازه زمانی ۱۰ ساله در نظر گرفته شده است.

دلیل این‌که نسبت به خسارات بدنی مهلت زمانی بیشتری مورد لحاظ واقع شده است به این مهم برمی‌گردد که اثرات فیزیکی مربوط به آسیب هسته‌ای معمولاً در طی یک بازه زمانی طولانی متجلی می‌گردد. به طور نمونه،

1. Low level nuclear waste.

2. High level nuclear waste.

3. To see this category, refer to the link: <http://www.nrcan.gc.ca/energy/uranium-nuclear/19224>.

4. Time period for submitting claims.

با این وجود مناسب آن است که مهلت زمانی مربوط به برقراری مسئولیت هسته‌ای به جای بازه زمانی ثابت بر مبنای یک فرض عقلایی تعیین شود؛ به این صورت که نسبت به هر نوع خسارت، مدت زمان معقولی که طول می‌کشد تا آثار خسارت مزبور متجلی گشته و البته مورد وقوف زیان‌دیده قرار گیرد، ظرف زمانی خاصی برای ایراد دعوی مسئولیت هسته‌ای مورد ترسیم قرار گیرد. (Currie, 2006, p.93)

۴-۵- تضمین امنیت مالی

بدیهی است که ارزش تکوین مقررات ناظر بر مسئولیت زمانی شدیداً به آن بستگی دارد که شخص مسئول توانایی مالی پوشش مسئولیت متعلقه را دارا باشد. (Boulanenkov, 1988, p.6) بر این اساس، برحسب قسمت ۱ از ماده ۲۷ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای، یکی از مهمترین تعهدات بهره‌بردار هسته‌ای دائر بر ایجاد تضمین امنیت مالی^۱ است؛ مطابق با ماده موصوف، بهره‌بردار هسته‌ای ملزم است تا نسبت به تأمین امنیت مالی آن هم به میزان مسئولیتی که در قبال خسارات هسته‌ای دارا می‌باشد اقدام لازم را انجام دهد.

نکته درخور توجه آن است که قانونگذار کانادا نسبت به نقض تعهد بهره‌بردار هسته‌ای در مسیر ایجاد امنیت مالی مربوط به خسارات هسته‌ای مبادرت به ترسیم ضمانت‌اجرای کیفری نیز نموده است؛ در این راستا و برحسب قسمت ۱ از ماده ۷۷ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای، چنانچه بهره‌بردار هسته‌ای نسبت به برقراری امنیت مالی آن هم به نحو مصرح اقدام لازم به عمل نیآورد به عنوان مرتکب یک جرم حائز محکومیت اختصاری^۲ مسئول تلقی می‌گردد؛ در این خصوص، وی به ازای هر روزی که از اجرای چنین تکلیفی استنکاف نموده است به جریمه نقدی تا ۳۰۰ هزار دلار محکوم می‌گردد. با این حال و برحسب قسمت دو ماده ۷۷ قانون پیش‌گفته، اگر بهره‌بردار هسته‌ای بتواند ثابت نماید که تمام احتیاطات لازم را در مسیر جلوگیری از نقض تعهد خود انجام داده است، مقصر شناخته نمی‌گردد.

۴-۶. ترسیم دادرسی افتراقی نسبت به دعاوی مسئولیت هسته‌ای

مطابق با قسمت ۱ از ماده ۴۱ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای، مسئولان ذیربط مؤظف دانسته شده‌اند تا نسبت به ایجاد یک محکمه اختصاصی راجع به پیگیری مسئولیت هسته‌ای^۳ اقدام لازم را به عمل آورند. تعداد اعضای نهاد فوق و البته شرایط دادرسان آن جملگی در قسمت‌های ۱ و ۲ ماده ۴۳ قانون پیش‌گفته مورد اشاره قرار گرفته است. طبق بند ۲ ماده ۵۱ قانون مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای، محکمه به هیچ عنوان التزامی به انحصار در نظام ادله قانونی ندارد. با این مراتب گفتنی است، اتخاذ فرآیند دادرسی افتراقی در رسیدگی به دعاوی مسئولیت هسته‌ای اقدامی سنجیده و کارآ ارزیابی می‌گردد؛ زیرا در مواجهه با دعاوی که در بستر فناوری تولید می‌گردند نیاز به تخصص اشخاص رسیدگی‌کننده و البته تناسب‌سازی مراحل مختلف فرآیند دادرسی کاملاً حیاتی جبهه می‌نماید.

نتیجه‌گیری

با اهتمام به مطالعات و بررسی‌هایی که در اثنای این پژوهش صورت پذیرفت استنباط می‌گردد که سامانه حقوقی کانادا نگرش سنجیده‌ای را در تدوین رژیم حقوقی ناظر بر مسئولیت هسته‌ای مورد اتخاذ قرار داده است. در واقع، تدقیق در نظامات و مقررات حاکم بر مسئولیت هسته‌ای نشان می‌دهد که مسئولان و سیاستگذاران تقنینی کانادا با مطمح‌نظر قراردادن معیارهای رژیم بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای (به شرح مندرج در کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی نسبت به خسارات هسته‌ای ۱۹۹۷) به تلاش در راستای بهبود آن‌ها نیز همت گماردند. به این مناسبت و اگرچه ساختار مسئولیت هسته‌ای کانادا به مثابه رژیم جهانی ناظر بر مسئولیت هسته‌ای دائر بر ارکانی چون رژیم مسئولیت مطلق، محدودسازی مسئولیت و مسئولیت انحصاری

1. Financial security.

2. summary conviction.

3. Establishment of a Nuclear Claims Tribunal.

بهره‌برداری هسته‌ای قرار دارد لیکن این مهم موجب نشده است تا بر بهینه‌سازی ایشان اقدام لازم به عمل نیاید. تدابیر قابل‌ی که قانونگذار کانادا در راستای تعدیل دوره‌ای میزان مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای، تناسب‌سازی درجه خطر تأسیسات هسته‌ای با میزان مسئولیت، فرآیند افتراقی دادرسی، ترسیم ضمانت‌اجراه‌های کیفی نسبت به حسن انجام تعهدات بهره‌بردار هسته‌ای و غیره مورد اتخاذ قرار داده، موجب شده است تا رژیم کانادایی مسئولیت هسته‌ای مناسب ارزیابی گردد.

با این همه نباید از این موضوع والا فاغل شد که پیشرفت‌های سامانه حقوقی کانادا در حوزه ترسیم رژیم حقوقی مسئولیت هسته‌ای در طی همین چند سال اخیر صورت پذیرفته است؛ زیرا عملاً و تا قبل از سال ۲۰۱۳، کانادا نه تنها همگام با اسناد جهانی ناظر بر مسئولیت هسته‌ای حرکت نمی‌نمود بلکه از منظر مقررات داخلی نیز، قانون روزآمد و مناسبی را در حوزه مسئولیت هسته‌ای وضع نکرده بود.

به هر شکل، عملکرد نظام حقوقی کانادا می‌تواند الگوی شایسته‌ای نسبت به سایر سیستم‌های حقوقی دنیا قلمداد شود که چنانچه نیت بر تکوین یک رژیم مسئولیت هسته‌ای کارآ و متقارن با وضعیت روز باشد، با چند گام عملی این امکان در دسترس قرار می‌گیرد، چنان‌که کانادا در سال ۲۰۱۳ سند بین‌المللی جبران خسارت تکمیلی در قبال خسارات هسته‌ای را مورد تصویب قرار داد و متعاقب بر آن، در سال ۲۰۱۵ نیز مقرره مسئولیت و جبران خسارت هسته‌ای را پایه‌ریزی نمود.

منابع

1. Boulanenkov, V. and B. Brands (1988). "Nuclear liability: Status and prospects." IAEA Bulletin 30(4).
2. Campbell, H. (1993). Black's law dictionary.
3. Currie, D. E. (2006). "The problems and gaps in the nuclear liability conventions and an analysis of how an actual claim would be brought under the current existing treaty regime in the event of a nuclear accident." *Denv. J. Int'l L. & Pol'y* 35: 85
4. Faure, M. (1995). "Economic models of compensation for damage caused by nuclear accidents: Some lessons for the revision of the Paris and Vienna Conventions." *European Journal of Law and Economics* 2(1): 21-43.
5. Gregorich, E. G., et al. (2001). *Soil and environmental science dictionary*, CRC Press.
6. Heyes, A. and C. Heyes (2000). "An empirical analysis of the Nuclear Liability Act (1970) in Canada." *Resource and Energy Economics* 22(1): 91-101.
7. IBP, I. (2015). *Canada Energy Policy Laws and Regulations Handbook Volume 1 Strategic Information and Basic Laws*, Lulu.com.
8. Law, Jonathan, & Martin, Elizabeth A. (2002). *Oxford dictionary of law*. J. Law, EA Martin.° [Fifth Edition].° Oxford: Oxford University Press .
9. McCauley, D 1 & Hénaul, J. (2014). "Strengthening Canada's nuclear liability regime." *Canadian Nuclear Safety Commission*. 695-707.
10. Pelzer, N. (1999). "Focus on the future of nuclear liability law." *Journal of Energy & Natural Resources Law* 17(4): 332-353.
11. Radetzki, M. (1999). "Limitation of third party nuclear liability: Causes, implications and future possibilities." *Nuclear Law Bulletin* 63: 7-24.
12. Roman, A., et al. *Canada and international nuclear liability*.
13. Schneider, Y. and P. Zweifel (2004). "How much internalization of nuclear risk through liability insurance?" *Journal of Risk and Uncertainty* 29(3): 219-240.
14. Schwartz, J. A. (2006). "International nuclear third party liability law: The response to Chernobyl." *International nuclear law in the Post-Chernobyl period*: 41-44.
15. Smith, J. (1917). *Tort and Absolute Liability: Suggested Changes in Classification*. *Harvard Law Review*, 30(3), 241-262.
16. Trebilcock, M. and R. A. Winter (1997). "The economics of nuclear accident law." *International Review of Law and Economics* 17(2): 215-243.
17. <http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/>

Identification of the Nuclear Liability Model in the Canadian Legal System

Abstract

Canada, as one of the leading countries in the field of nuclear technology, has set a nuclear liability regime about half a century ago. In this regard, and although Canada did not accept any of the 1960 Paris Convention and the 1963 Vienna Convention on Nuclear liability, for the first time and in 1970, nuclear liability act was enacted. The process entered a new phase in 2015, with the adoption of another regulation on nuclear responsibility that led to the abolition of the previous law; Due to the Canadian authorities, in addition to upgrading the shortcomings and deficiencies of the previous law, have aligned it with the provisions on nuclear liability under the provisions of the 1997 Supplementary Compensation for Nuclear Damages Convention, which it has recently approved. However, although the Canadian nuclear liability model has been influenced by the teachings of the Convention, the measurement strategies, including coordinate the risk degree of nuclear facilities with amount of liability, the expansion of the scope of damages, and the rest, has led to a higher degree of nuclear liability in Canada compared to international nuclear liability regime. Hence, recognizing the various dimensions of the nuclear liability system in Canada is important.

Keywords: civil liability, nuclear liability, nuclear incident, absolute liability and nuclear operator.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی